

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

|                      |                                                                                                                        |
|----------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| سرناسه:              | شیروانی، علی اکبر، ۱۳۶۰                                                                                                |
| عنوان و نام پدیدآور: | قهوه استانبول نیکو می‌سوزد؛ استانبول به روایت مسافران قاجاری / دیبری و تدوین علی اکبر شیروانی؛ تحقیق زهرا ابراهیم پور. |
| مشخصات نشر:          | تهران - نشر اطراف، ۱۳۹۶.                                                                                               |
| مشخصات ظاهری:        | ۲۱۶ص.                                                                                                                  |
| فروست:               | مجموعه تماشای شهر؛ ۲                                                                                                   |
| شابک:                | دوره ۵-۲-۹۶۸۸۴-۶۰۰-۹۷۸<br>جلد ۲، ۵-۶-۹۶۸۸۴-۶۰۰-۹۷۸                                                                     |
| وضعیت فهرست نویسی:   | فیبا                                                                                                                   |
| موضوع:               | سفرنامه‌های ایرانی -- قرن ۱۳ق.                                                                                         |
| موضوع:               | استانبول (ترکیه) -- سیر و سیاحت                                                                                        |
| شناسه افزوده:        | ابراهیم پور، زهرا، ۱۳۶۶                                                                                                |
| رده بندی کنگره:      | ۱۳۹۶ ق۹ش/۱۳۲۵ DSR                                                                                                      |
| رده بندی دیویی:      | ۹۵۵/۰۷۴۰۴۲                                                                                                             |
| شماره کتابشناسی ملی: | ۴۷۲۰۲۶۸                                                                                                                |

مجموعه تماشای شهر (۲)

# قهوه استانبول نیکو می سوزد

استانبول به روایت مسافران دوره قاجار  
علی اکبر شیروانی



مجموعه تماشاى شهر (۲)

## قهوه استانبول نیکو می سوزد

دبیری و تدوین: علی اکبر شیروانی  
تحقیق: زهرا ابراهیم پور کلخوران

مدیر هنری: کیارنگ علایی

طراح جلد: حسین اسکندری

صفحه آرا: مرجان جلالی

عکس روی جلد: کیارنگ علایی

بازبینی نهایی متن: محمد مهدی حیدری

ناظر چاپ: محمد حسین دوست محمدی

لیتوگرافی: نوید

چاپ و صحافی: سپیدار

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۸۸۴-۵-۶

چاپ اول: ۱۳۹۶، ۱۰۰۰ نسخه

همه حقوق چاپ و نشر این اثر برای «نشر اطراف» محفوظ است.

هر گونه تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شکل و شیوه

(چاپی، کپی، صوتی، تصویری، الکترونیکی) بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع است.



اطراف

تهران، خیابان گل نیل، خیابان شهید ناطق نوری، کوی رضاییگ، پلاک ۹.

تلفن: ۲۲۸۵۵۲۴۷، Atraf.ir

@atrafpublication | Email: atrafpub@gmail.com

شاید به جبران اتفاق ۴۴ و یادآوری ۹۴

به اکبر شمشیری



مقدمه ... ۹

مشر به از سنگ مرمر ... عبدالحسین افشار ... ۱۵

از قبیل اینها ... میرزا حسن موسوی ... ۳۷

پری پیکر پری سان منش ... میرزا محمودخان ... ۵۱

دلاک‌های اَمر د با طراوت ... میرزا محمدحسین ... ۶۹

از درخت عشقه به چنار ... ناصرالدین‌شاه ... ۸۹

ابنیۀ نفیسهٔ قدیمه ... عمادالسلطنه ... ۱۰۷

کلاً سَروستان و کاجستان ... میرزا فتاح‌خان ... ۱۲۱

نه به قدر مشهد ... میرزا داوود ... ۱۳۱

به اشارت بشارت ... فرهاد میرزا ... ۱۴۳

از وحشی‌گری بیرون ... حاج سیاح ... ۱۵۱

اسب‌های لنگ و کور ز خمی منحنی ... ابوطالب‌خان ... ۱۶۵

باز ورق بخاری سلطانی ... مظفرالدین‌شاه ... ۱۸۵

منابع ... ۲۰۶

شرح کلمات ... ۲۰۷

مکان‌ها ... ۲۰۹

نام‌ها ... ۲۱۲



## مقدمه

تورنگ اینها را به من نمای تا من جایگاه ایشان با تو نمایم.  
ابوالحسن خرقانی

شهرها رنگ دارند. رنگ هر شهری برآمده از معماری، جغرافیا، آداب و رسوم، لباس، پوشش و صدها عامل دیگر است، به علاوه تصورات ذهنی و کمی خیال پردازی کسی که به شهر فکر می کند. شهرها رنگ دارند و معمولاً برای هر شهری یک رنگ اصلی و هزاران زیررنگ در ذهنمان نقش بسته است: شهرهای گرمسیری قرمز، شهرهای سردسیری آبی و شهرهای معتدل سبز. شاید رنگ شهرها تا حدی از قوانین طبیعی تبعیت می کند اما کم کم ذهن ما رنگ های اصلی را مخلوط می کند و به رنگ های فرعی می رسد: قرمز کاشان ملایم و آرام است و جاهایی به کرم قهوه ای

نزدیک می شود، ولی قرمز زاهدان تند و آتشین است و کمی مایل به آلبالویی. آبی ارومیه نرم و فیروزه‌ای است و آبی اردبیل تیره و لاجوردی شبیه دریایی آرام. سبز رشت پخته و سیر است و سبز چالوس روشن و مغزپسته‌ای.

هر کسی در طیف‌بندی رنگ‌ها براساس مجموعه‌ای از واقعیت‌های بیرونی و ویژگی‌های ذهن خودش عمل می‌کند؛ پس ناگزیر رنگ‌هایی که در این نوشته برای کاشان، زاهدان، ارومیه، اردبیل، رشت و چالوس برگزیدم با رنگ دیگر کسانی که این شهرها را می‌شناسند متفاوت است.

شهر رنگش را می‌پاشد روی آدم‌هایش و آدم‌ها را به رنگ خودش درمی‌آورد.

شهر از این منظر موجودی است بی‌رحم که به اختیار و انتخاب کسانی که دربرشان گرفته توجهی نمی‌کند و همه را ناگزیر به رنگ خودش مهمان می‌کند. رنگ‌پذیری متولد و ساکن شهر در اختیار خودش نیست اما مسافر به اختیار و شوق سفر می‌کند که رنگ بگیرد و عوض شود. مسافر می‌خواهد برای مدت کوتاهی رنگ شهرش نباشد و به رنگی دیگر دربیاید و مشقت سفر را تحمل می‌کند تا به رنگی تازه برسد. مقصد سفر خالی از انتخاب رنگ نیست، همان روزی که بار می‌بندیم حسی از رنگی که به آن در می‌آییم. تناسب فصل و آب و هوای شهر ارتباط مستقیمی با رنگ دارد: فصل سرد به سمت قرمز، فصل گرم به سوی آبی و میان فصل‌ها به طرف سبزه‌های جان‌نواز. ییلاق و قشلاق میراث قدیمی پدران ما نیست که گرمی‌اش بداریم یا ضایعش کنیم؛ ضرورتی است برای روح و جان انسان‌ها. حالا

اگر به ضرورت و اقتضائات زندگی امکان ییلاق و قشلاق نداریم سفر همچنان بهترین یاری‌گر است. به نظر می‌رسد ما همیشه به دنبال موازنه با جهان اطراف خودمانیم و سفر بهترین ابزار این تعادل است.

اما رنگ‌های اصلی و فرعی شهرها را از کجا می‌شناسیم؟ چگونه رنگ‌ها ما را به خود می‌خوانند و می‌خواهند که دعوتشان را اجابت کنیم؟ بی‌شک در شناسایی رنگ شهرها - به خصوص رنگ‌های فرعی - تنها یک عامل مؤثر نیست. امروزه رسانه‌های بیشماری در ساخت ذهنی ما مؤثرند و ذهن ما دائم در حال ساخت، تخریب، تصحیح و بازسازی داشته‌هایش است. لنزهای ذهنمان با رسانه‌های نو و کهنه هرروز و هرروز رنگ‌های تازه را پالایش می‌کند و به بافت و طیف‌های رنگی جدیدی در همه زمینه‌ها می‌رسد.

در روزگاری نه چندان کهن، سفرنامه‌ها چشم عمومی مردم برای شناخت رنگ شهرها بودند. مسافر با سفرنامه‌اش، که کمی از رنگ سفرش داشت، مردم را فرا می‌خواند که کمی رنگ بگیرند از شهری دور یا نزدیک. هرچه شهر دورتر بود تضاد رنگی شدیدتر می‌شد و اشتیاق برای فراگرفتن آن رنگ بیشتر. امروزه سفرنامه‌های کهن برای نگاه دوباره به رنگ اصلی شهرها که با گذشت سال‌ها همچنان در ما مستتر و مستقر است، به کار می‌آید.

پاریس، استانبول، لندن، سن پترزبورگ یا بمبئی، با همه تحولاتشان و با همه تغییرات ما در یک صد سال گذشته، از طیف

رنگ‌های اصلی‌ای پیروی می‌کنند که نیاکان ما برایمان ساخته‌اند و پرداخته‌اند؛ گویی ما امروزه بر همان رنگ‌های کهن، طیفی می‌افزاییم و با شفافیت و درخشش بیشتر پی‌شان می‌گیریم و گویی سفرنامه‌های جدید همه رنگی از همان سفرنامه‌های کهن را در خود دارند. ما هنوز در تصویر و رنگی که مسافران پیشین برایمان ساخته‌اند زندگی می‌کنیم. تلاش مجموعه «تماشای شهر» یافتن رنگ چند کلان‌شهر است؛ رنگ‌هایی که مسافران ایرانی دوره قاجار با آنها روبرو شده‌اند.

متون تاریخی منشوری چندوجهی است که بسته به زاویه دید تماشاگر رنگ‌هایی در معرض نمایش می‌گذارد. در ارائه رنگ و روح شهرها کوشیده‌ام بیش از اهتمام به دغدغه‌های صلب و سخت مورخان و پژوهشگران به روایتی برسم که خواندنش برای مخاطب شیرین باشد. آنچه در این کتاب درباره استانبول می‌خوانید، همه مکتوبات مسافران نیست و با معیارهای خاص و دقیقی بخش‌هایی از آنها گزینش شده است.

در کتابی که در دست دارید عادت امروزی خواننده در رسم الخط و علائم ویرایشی مراعات شده و همچنین شرح برخی کلمات و جملات مشکل در پایان کتاب افزوده شده که به هیچ عنوان مدعی ارائه تمام معانی یک کلمه نیست. درحالی که در سال‌های پایانی قرن سیزدهم شمسی بر سر ضبط نام‌ها و اعلام اجنبی به فارسی اختلاف نظر وجود دارد، پافشاری بر ضبط کهن اعلام عبث بود؛ بنابر ضرورت همه اعلام براساس ضبط شایع امروزی تغییر یافته است. معتقدم بخشی از ساختار زبان که با صحیح و غلط

می‌شناسیمش از وضعیت عمومی جامعه ناشی می‌شود و همین دیدگاه باعث شد پا از این فراتر نگذاشته و غلط‌ها و خطاهای نگارشی و فنی را به شکل و سیاق سابق حفظ کنم. آنچه در دست دارید شکل نمی‌گرفت مگر با لطف و حمایت پژوهشگران نشر اطراف و سرکار خانم نفیسه مرشدزاده—بی پایان سپاس ایشان را.

علی اکبر شیروانی

بهار ۱۳۹۶